

## گزارشی از سمینار سالیانه زنان ایرانی در آلمان

در تاریخ ۱۷ تا ۱۹ نوامبر دوهزار در شهر کلن سمینار زنان ایرانی در آلمان برگزار شد. موضوع این سمینار «فمینیسم کدام مطالبات، کدام اشکال سازماندهی» بود. زنان شرکت کننده از شهرهای مختلف آلمان و برخی کشورهای اروپایی بودند. شرکت زنان پناهجو در این سمینار نیز جالب توجه بود.

سمینار در روز جمعه ۱۷ نوامبر با نام نویسی و تحویل اتاق ها، شام، خوش آمدگویی و معرفی گروه کاری همایش از هانوفر کار خود را آغاز کرد.

شنبه ۱۷ نوامبر:

اولین سخنران این روز شهین نوایی سخنرانی خود را با عنوان «خواسته های بیست ساله زنان ایرانی در تبعید، اکنون چه؟» ارائه داد. او گفت: «ایرانیان همواره تابع هویت جمعی بوده اند و در انقلاب ۵۷ این به وضوح آشکار بود، که کلیه روشنفکران جامعه چه زن و چه مرد برای نجات ایران بدون در نظر گرفتن ویژگی های فردی حرکت کردند و تقریباً کل روشنفکران یک جامعه یک حکومت مذهبی را پذیرا می شوند.» او ادامه داد «شکل گیری هویت فردی از یک طرف موجب اختلال در روابط سنتی خانواده و روابط عاطفی شد. نتیجه آنکه کلیشه زن مطیع و نجیب و سر به راه به هم ریخته و این آغاز دشمنی افراد سنتی و عقب مانده نسبت به زنان فعال و تشکلات زنان است. تبلور این دشمنی و فشار را میتوان در خواسته های گروه های زنان محتاط و دست به عصا بودن آنان مشاهده کرد.» شهین خواسته های عنوان شده در تشکلات زنان را در سه گروه دسته بندی کرد: ۱- خواسته هایی برای دیگری. ۲- خواسته هایی که تلاش برای رهایی از برای دیگری را آغاز می کنند. ۳- خواسته هایی برای خود. نوایی گفت «تکیه من بر روی خواسته هاست تا بر مبنای آنها بتوان شکل مناسب سازماندهی و نیز همراهان خود را پیدا کنیم. زیرا من معتقدم اول باید خواسته هایمان تعیین شود تا بر مبنای آن سازماندهی مان را تدوین کنیم.» وی اکثر نوشته های نقد شده را فاقد زبان فمینیستی خواند و گفت: «در هیچ نوشته ای ندیده که آزادی فردی و جنسی آورده شده باشد برنامه و هدف مشخص در رابطه با دخالت در سطح بین المللی کمتر ذکر شده.»

این بررسی، تغییر و تحول سال های اخیر جنبش زنان و تشکلات آن را در بر نداشت، زیرا در رابطه با آزادی های فردی و جنسی، امروز عمده تشکل های زنان نظر مشخص خود را طرح کرده اند و بالاخره شهین نگفت رابطه هویت فردی و هویت اجتماعی چیست؟ و آیا کسب هویت فردی از طریق تلاشهای فردی قابل تحقق است و یا مبارزه جمعی؟ دومین سخنران این روز پروین ثقفی صحبت خود را با عنوان «جنبش زنان آرمانها و واقعیت ها» ارائه داد.

او از فمینیسم به عنوان یک اتوبی نام برد که جهان را با فرمهای زندگی و نهادهای اجتماعی توضیح میدهد و میخواهد آنها را تغییر بدهد. سپس نگاهی گذرا به حرکت های اعتراضی زنان از قرون وسطا به بعد و خواسته های آنان انداخت. وی در طرح این تاریخچه به ظهور سوسیالیسم علمی و تا ثیر آن بر سوسیالیسم تخیلی در جنبش زنان پرداخت و گفت: «زنان سوسیالیست پشتوانه تئوریک و آرمانی داشتند. پشتوانه مادی شان زنانی بودند که کار میکردند. رشد این پشتوانه مادی از قرون وسطی بود یعنی زمانی که زنان بورژوا در خانه های خود بودند. این زنان کار می کردند و جنگ قدرت با مردان را در محیط کار پیش می بردند.»

پروین «سپس به اختلافاتی که میان سوسیالیست ها و فمینیست ها بود پرداخت و ادامه داد: «فمینیست ها معتقد بودند که سوسیالیست ها به زنان کارگر خیلی اهمیت می دهند و به مسئله زنان توجه ندارند، مسئله برابری را مطرح می کنند در حالیکه اصلاً برابری در این سیستم قابل تحقق نیست. و سوسیالیست ها می گفتند فمینیست ها تئوری ندارند، در بین گرایشات دیگر در گیرند و چهارچوب فکری ندارند، اهمیت مبارزه سیاسی را درک نمی کنند و مبارزه زنان را به قلمروهای فردی و درونی می

کشانند و در نهایت به حوزه مبارزه با مردان ختم می کنند، از مسائل حقوقی بی اطلاعند. فمینیست ها کار در بیرون را نوعی استثمار مضاعف می دیدند و شغل را هدف نمی دانستند ولی سوسیالیست ها می گفتند سنگ بنای اصلی اعتراض به مردسالاری اشتغال زنان و استقلال مالی آنان است.»

ثقفی در ارائه مطلب خود از زبانی گویا بهره نگرفت. گسیختگی مطالب وی موجب از دست دادن مفهوم کلی برای شرکت کنندگان می شد. با توجه به اینکه این سمینار سالی یک بار برگزار می شود و سخنرانان زمان کافی برای پرداختن به موضوع سخنرانی خود را دارند، مثر ثمرتر است که سخنرانان با ارائه مطلوب موضوع چه در شکل و چه در محتوا در جهت بالا بردن آگاهی زنان و در نتیجه سطح جنبش فمینیستی عمل کنند.

سخنران بعدی شادی امین بود که سخنرانی خود را تحت عنوان «هیرارشی اتوریته و دمکراسی» ارائه داد. در ابتدا به مشخصات، تاریخ، خواستها و وظایف جنبش زنان ایرانی در تبعید پرداخت و گفت: «ترکیب طبقاتی این جنبش عمدتاً زنان روشنفکر طبقات متوسط هستند که خیلی از آنها تجربه کار سیاسی در سازمانهای سیاسی را دارند. این زنان با نقدی که البته همه جانبه نبود بر ساختارهای تشکیلاتی و بینش سازمان شان به مسئله زنان و نیز مرد سالاری آشکار و نهان در بسیاری مجامع سیاسی، کار مستقل زنان را برگزیدند و خودمختاری را یکی از اصول پایه ای خود قرار دادند.»

شادی در توضیح وظایف جنبش زنان گفت: «ما باید این وظایف را در قلمروهای مختلف چون زندگی خصوصی، فرهنگ، حوزه سیاسی و مبارزه بر ضد سلطه جنسی مورد توجه قرار دهیم. در زمینه زندگی خصوصی، زنان ایرانی نمی خواهند به شیوه مادران خود زندگی کنند و این مناسبات اجتماعی را در ساده ترین شکل خود به مصاف طلبیده اند و جنبش زنان و سازمان های آن باید مدافع این تحول باشد و سمت و سوی تحول آن را تقویت کند.» او ادامه داد که «در حال حاضر جنبش زنان با مطالباتی در سطح دیگر روبروست. دیگر نمیتوان به اصل سازمانیابی و ضرورت آن بی تفاوت ماند. سازماندهی این جنبش علیه ستم جنسی و برای تغییر و دگرگونی اجتماعی از وظایف عاجل فعالین این جنبش می باشد. وظایف کنونی که پیشاروی جنبش زنان است نیاز به یافتن اشکال مناسب سازماندهی را در خودش می پروراند.» او ضمن توضیح علل مقابله زنان با اشکال هیرارشی، اتوریته و مرکزیت سازمانی در جنبش زنان گفت: «بگذارید با نگاهی به گروههای موجود بینیم که آیا به همان میزان که در این گروه ها از فقدان هیرارشی حرف زده می شود در عمل ما با چنین پدیدههای روبرو هستیم؟ در این گروه ها هیرارشی و اتوریته نامرئی وجود دارد که به آن هیرارشی کزیدوری میگویند که بسیار دوستانه است ولی واقعیت و اتفاقاً از مضرتترین نوع آن، که ابعاد عدم دمکراسی در آن برای همه فاحش است.»

شادی در انتها اضافه کرد: «مشکل ما گم کردن راهی است میان، از یکسو دمکراسی خودآگاه تشکل باز و علنی و از سوی دیگر قدرت، هیرارشی، کارجمعی و فعالیت متمرکز هدفمند. باید بین پذیرش هیرارشی وعدم کارآئی امروز راهی پیدا کرد. شاید وجود هیئت هماهنگی در سطح کشوری و اروپا یکی از پاسخ های مناسب باشد. این راهیابی اما در یک جدل صمیمانه و جدی ممکن است و لازمه آن خارج شدن بحث ها از سوی عده ای و تبدیل آنها به بحث در تشکیلاتها و نشریه هاست.»

شادی به درستی بر ضعفهای سازماندهی و سازمانیابی مبارزات زنان انگشت گذاشت و ناتوانی اشکال موجود را در پاسخ گوئی به وظایف پیشاروی جنبش زنان بررسی کرد. ولی در این سخنرانی که موضوع اصلی آن سازماندهی جنبش زنان بود، جا داشت اشاره شود که برخی فعالین جنبش زنان ترجیح می دهند به عنوان افرادی منفرد طرح گردند. در جایی که فعالین به عنوان افرادی متشکل میتوانند مبلغ مبارزه سازمان یافته باشند.

روز یکشنبه ۱۸ نوامبر

در این روز نتایج گروههای کاری اعلام شد. نکات برجسته مطرح شده شامل موارد زیر بود:

- جوامع دیکتاتوری مانع رشد هویت فردی هستند و رشد هویت فردی ضامن رشد هویت انسانی است.

- در ارتباط با سازماندهی زنان نظرات متنوعی وجود داشت. طرحهایی چون حزب زنان، تشکل سراسری زنان، شبکه ارتباطی، و کمیته های هماهنگی مطرح شدند.

- از نکات مورد توجه در باره تشکل های زنان، مسئله هیرارشی و اعمال قدرت در آنها بود. زنان معتقد بودند که برای کنترل قدرت و ایجاد دمکراسی در تشکلها باید سطح توانائی توده زنان را بالا برد و و این کنترل می تواند توسط افراد متشکل در آن تشکلها اعمال گردد تا به تداوم دمکراسی یاری رساند.

در پایان موضوع سمینار سال آینده به رأی گیری گذاشته شد که متأسفانه این امر در فضائی توأم با بی نظمی انجام گرفت. زمان بسیار کمی را به آن اختصاص دادند و در شمارش آرا نیز دقت لازمه را مبذول نداشتند که این از جمله ضعفهای کمیته برگزار کننده سمینار بود. در این رأی گیری دو تم خشونت و تشکل سراسری جنبش زنان دارای آرا نزدیک به هم بودند که تم خشونت به عنوان موضوع سمینار سال آینده برگزیده شد. انتخاب این موضوع نشان می دهد که زنان به مسائل فرعی تر تمایل دارند زیرا گام اولیه در مبارزه با هر مسئله ای سازمان یابی نیروهای مبارز موجود است. امری که، هنوز زنان این جنبش حساسیت لازمه را نسبت به آن ابراز نمیدارند. محل برگزاری سمینار زنان ایرانی در سال آینده شهر فرانکفورت خواهد بود.